نهج البلاغه ۶

امتحان

چاپ هشتم

جواد محدثی

بسم الله الرحمن الرحیم

امتحان

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امتحان

مشخصات کتاب

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

عنوان قراردادی : نهج البلاغه .برگزیده. شرح

عنوان و نام پدیدآور : امتحان / جواد محدثی.

مشخصات نشر : مشهد : بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۱۰۴ص..م س۱۱/۵×۸ ؛

فروست : درسهایی از نهج البلاغه؛ ۶.

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۴-۸۸۵-۰ :

یادداشت : چاپ هفتم.

یادداشت : چاپ قبلی: بنیادپژوهش های اسلامی ۱۳۹۱(۴۴ص.).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- دیدگاه درباره امتحان الهی

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. . نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

موضوع : امتحان الهی

موضوع : ایمان (اسلام)

شناسه افزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. . نهج البلاغه. برگزیده. شرح

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۳۸/۰۹ /الف۸۲ م۳ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۷۴۰۸۰

اشاره

امتحان

جواد محدّثی

ص: ۳

فهرست مطالب

سخن ناشر

نهج البلاغه را بی تردید می توان به دریایی پر گوهر تشبیه کرد که هر چه بیشتر در آن غوّاصی شود، درسها و حکمتهای زندگی ساز و پربهای بیشتری به دست می آید. بی جهت نیست که دانشمندان بسیاری در طول چهارده قرن، در پی درس آموزی از مکتب علوی و کسب معرفت از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بوده اند و در شرح سخنان پر ارج او کتابها نوشته اند.

سخنان حضرت علی علیه السلام، هم در زمینه مباحث نظری و عقلی بسیار ارزنده و راهنماست، هم در قلمرو مسائل عینی و زندگی انسانی و موضوعات کاربردی و عملی کارگشاست و این ابعاد متنوّع کلام آن حضرت، نشأت گرفته از روح بلند و شخصیّت بی نظیر و چند بُعدی آن پیشوای بزرگ است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره وی فرمود:

«اَ نَا مَدینَهُ العِلْم و علیٌّ بابُها»(۱).

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی

خداوند امر و خداوند نهی

که من شهر علمم علیّم در است

درست این سخن قول پیغمبر است(۲)

ص: ۷

۱- المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۳۷.

۲- شاهنامه فردوسی، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان ۱/۱۸ - ۱۹.

و چنان که خود امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«عَلَّمَنی رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله اَلفَ بابٍ کلُّ بابٍ فَتَح اَلفَ بابٍ»(۱).

رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - به من هزار باب [علم]آموخت، که هر باب آن هزار باب گشود.

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، به عنوان گامی هر چند کوچک در راستای تکلیف بزرگِ «شناساندن کلام و شخصیّت علی علیه السلام»، تصمیم بر عرضه درسهایی زندگی ساز از معارف همیشه زنده و الهام بخش نهج البلاغه گرفته است، با این باور که کلام نورانی امیر سخن حضرت علی علیه السلام، در حدّ بالایی الگوی رفتاری، معاشرتی و معیشتی هر مسلمان، به ویژه نسل جوان است. از این رو عرضه و انتشار این سلسله درسها با قلمی روان و خلاصه، می تواند چراغ راه و فروغ زندگی باشد.

از حجّه الاسلام آقای جواد محدّثی که در «پژوهش» و «نگارش» این کتاب همّت گماشته اند، صمیمانه تقدیر می شود. باشد که این گام و اِقدام، زمینه هر چه بیشتر آشنا شدن نسل جوان امروز را با معارف اهل بیت علیهم السلام و کتاب جاودانه نهج البلاغه فراهم آورد.

ص: ۸

۱- بصائر الدرجات ۳۲۳.

سرآغاز

«امتحان» ، یکی از سنّتهای الهی است.

بسیارند کسانی که ادّعای «ایمان» دارنـد ، یا خود را قوی و قهرمان می دانند ، یا می پندارند که عدالتخواه و حق طلب اند ، یا خود را «مؤمن» و «مسلمان» و مطیع فرمان خدا می دانند،

امّا... از کجا معلوم شود که راست می گویند؟

گاهی مسأله بر خود انسان هم مشـتبه می شود و خود را مقاوم ، صـبور ، متّقی ، با انصاف، طرفـدار حق و عدل، خدا ترس و با ایمان می داند ، امّا تا آزموده نشود ، میزان مقاومت و انصاف و خداترسی و ایمان او برای خودش هم روشن نمی گردد.

اینجـاست که «امتحـان»، روشـنگر واقعیّت می شود و «آزمون» ، میزانِ توانایی و برخورداری اشـخاص را از فضایل آشـکار می سازد. مثل یک وزنه سنگین که وسیله امتحان است. آن کس که خود را نیرومند می پندارد ، اگر توانست آن وزنه را بلند کند ، معلوم می شود که قدرتمند است و اگر نتوانست ، ضعف او روشن می شود.

ص: ۹

پس، امتحان که سنّت همیشگی و تغییرناپذیر الهی است ، برای این است که افراد به یک شناخت و ارزیابی درست از خودشان و دیگران دست یابند.

فراز و نشیب حوادث و سرد و گرم روزگار ، گاهی جوهره اشخاص را بروز می دهد و درستی ادّعاها را آشکار می کند و پاکی و آلودگی افراد را روشن می سازد.

اینکه حافظ می گوید:

خوش بود گر مَحکِ تجربه آید به میان

تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

اشاره به همین موضوع دارد و «محک تجربه» همان صحنه ها و وسایل آزمایش است که حقیقت افراد را بر خودشان و بر همگان آشکار می سازد.

توجّه به این مسأله که ما در طول زندگی همواره در معرض آزمونیم و عملکرد ماست که درستی ادعاهای ما را ثابت می کند ، بسیار سازنده است. خداوند هم برای تنبّه و عبرت انسان ، صحنه های امتحان برایش پیش می آورد ، تا از غفلت درآید و واقع گرا شود.

در کلمات نورانی حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه، اشاراتی زیبا به این درسِ مهمّ زندگی است و می تواند چراغ راه ما در پیمودن مسیر زندگی گردد.

آنچه در این مجموعه مختصر می خوانید ، فروغی از سخنان حکیمانه آن حضرت است.

ص: ۱۰

گفتنی است که در این جزوه نیز همچون جزوات پیشین ، مبنای جملات و شماره های خطبه ها و نامه ها و حکمتها ، نهج البلاغه نسخه «صبحی صالح» است.

امید است که پیوسته درسهای نهج البلاغه را آویزه گوش و روشنگر جان و صفابخش زندگی خویش قرار دهیم و از این گنجینه نفیس، هر چه بیشتر بهره مند گردیم.

جواد محدّثی

تابستان ۱۳۸۴ ش

ص: ۱۱

امتحان چیست؟

امتحـان و آزمون، آن است که برای انسان، صـحنه و شـرایط و مسائلی پیش آیـد که میزان آگاهی، توانایی، صبر و شـجاعت ، ایمان و تقوا، مهارت و کاردانی او برای خودش یا دیگران روشن شود.

البته هر کسـی و هر چیزی به نوع خـاص و وسـیله جـداگانه ای امتحـان می شود. مثلاًـ میزان معلومـات دانش آموز بـا امتحان ، قدرت بدنی کسـی با وزنه برداری ، میزان و کیفیّت طلای یک گوهر با محک زدن، قدرت روحی و صـبوری کسـی با تحمّل سختیهـا ، شـجاعت کسـی با رویارویی با حریف در میـدان جنگ، سـلامتی یا بیماری فرد با مراجعه به پزشک ، میزان بنـدگی کسی با اطاعت فرمان و... شناخته و معلوم می شود.

اگر آزمونی در کار نباشد ، خوب و بد ، ضعیف و قوی ، خالص و ناخالص ، اصلی و تقلّبی، فرمانبردار و نافرمان و دانا و نادان شناخته نمی شود و هر کس ادّعا می کنـد که قوی ترین، پاک ترین و داناترین انسان است و هر تولید کننده ای کالای خود را برترین جنس و هر شخصی خود را مسلمان ترین افراد معرّفی می کند. آنچه تعیین کننده میزان خلوص و

بندگی و اصالت و قدرت و علم اشخاص است ، «امتحان» است.

امتحان و آزمون ، یک بُعد سازنده هم دارد و آن اینکه افراد ، به ضعفها و کاستیهای خود پی می برند و دچار غرور نمی شوند. برای جامعه هم مفید است، چون نسبت به اشخاص ، شناخت دقیق تری پیدا می شود و ادّعاهای بی دلیل اشخاص به سادگی پذیرفته نمی شود.

فراز و نشیبهای زندگی و تحوّلات گوناگون اجتماعی ، یکی از وسایل امتحان افراد و نشان دهنده شخصیّت فکری و روحی و عملی آنان است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«فِی تَقَلُّبِ الَاحوالِ عِلْمُ جَواهِرِ الرِّجالِ».(۱)

در تغییر و تحوّل حالها [و دگرگونی روزگار] گوهر مردان شناخته می شود.

این همان پیش آمدنِ «محک تجربه» است که در شعر حافظ به آن اشاره شد، تا سیه رویی افراد ، یا صدق و سلامتشان را آشکار سازد.

چه خوب است که انسان ، از شکستها یا پیروزیهای افراد در آزمونهایشان عبرت و درس بگیرد. امتحان ، یک تجربه است، اگر برای ما هم پیش نیامده باشد ، افراد بسیاری امتحان پس داده اند ، یا خوب یا بد ، یا موفّق یا ناکام ، از محصول آن آزمایشها و تجربه ها درسهای گرانبهایی می توان آموخت. مثل کسی که از جلسه امتحان و کنکور بیرون می آید ، یا از آزمون رانندگی فراغت می یابد ، یا از جلسه مصاحبه یک گزینش و استخدام خارج می شود ، یا با یک حریف قوی مبارزه می کند ،

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۲۱۷.

آنچه که از این رهگذر به دست می آید، برای دیگران می تواند راهگشا باشد. به شرط آنکه در پی بهره گیری از نتایج یک آزمون باشند.

از این رو ، حضرت امیر علیه السلام به پند گرفتن از چنین تجربه هایی سفارش می کند ، تا از حاصل امتحانات دیگران ، در ما آمادگی برای حضور در عرصه آزمون پیدا شود. می فرماید:

«مَنْ لَمْ یَنْفَعْهُ اللّه ُبِالبَلاءِ والتّجارِبِ ، لَمْ یَنْتَفِعْ بِشَی ءٍ مِنَ العِظَهِ».(1)

هر کس را که خداوند ، از بلا و آزمون و تجربه ها سود نرساند، از هیچ پندی بهره نخواهد گرفت.

اینکه آزمایش، جوهره اشخاص و حقیقت آنان را بر ملا می سازد و خالص و ناخالص را از هم جدا می کند، نکته بسیار مهم و سودمند است.

از امتحان، با واژه های مختلفی در قرآن و احادیث و نهج البلاغه تعبیر شده است. یکی از آنها «فتنه» و «افتتان» است. فتنه هم معانی گوناگونی دارد که یکی از معروف ترین آنها «امتحان» و «ابزار امتحان» است. فتنه در لغت به معنای قراردادن طلا در کوره آتش است ، تا گداخته شود و میزان خلوص و عدم خلوص و عیار آن مشخّص گردد،(2) و اگر طلا ـ مورد چنین آزمایشی قرار نگیرد ، به راحتی طلای تقلّبی به مشتریان داده می شود و مردم خسارت می بینند و فریب می خورند.

1- نهج البلاغه ، خطبه 176.

2- مفردات ، راغب اصفهانی.

حتمیّت آزمایش

آزمایش، یکی از «سنّتهای الهی» است. معنای سنّت، قوانین و مقرّرات حتمی و فراگیر و تغییرناپذیری است که خداوند در خلقت و تاریخ قرار داده است و هیچ انسان و هیچ قومی، از اینکه مورد امتحان الهی قرار گیرند، استثنا نشده اند.

در قرآن کریم، هم به اینکه مردم به وسیله خیر و شرّ مورد آزمایش قرار می گیرند اشاره شده است،(۱) هم به اینکه همه افراد و امّتها امتحان می شوند و به صِرف گفتن اینکه «ما ایمان آورده ایم» رها نمی شوند و مسلمانان نیز - همانند پیشینیان - مورد آزمایش الهی قرار می گیرند(۲).

حضرت علی علیه السلام در سخنی به این حتمیّت آزمایش که در قرآن آمده ، اشاره دارد. در نهج البلاغه آمده است که وقتی آن حضرت با مردم بصره سخن می گفت و به راه راست دعوت می کرد و پند می داد ، کسی برخاست

۱- «وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً» انبیاء ۲۱ ۳۵.

۲- بنگرید به سوره عنکبوت ۲۹ ۲ - ۳.

و از «فتنه» پرسـید و اینکه آیا ایشان در این مورد چیزی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده است یا نه؟ آن حضرت می فرماید : وقتی آیه «أَحَسِبَ النّاسُ أَنْ یُتْرَکُوا أَنْ یَقُولُوا آمَنّا وَهُم لایُفْتَنُون»(۱) نازل شد (یعنی : آیا مردم می پندارند

همین که گفتند : ایمان آوردیم ، رها می شوند و امتحان نمی شوند؟).

از پیامبر درباره این امتحان که پیش خواهـد آمـد پرسـیدم. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود : امّت من پس از من امتحان خواهند شد.

پس از گفتگوهایی، پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«یـا علیّ! اِنَّ الْقَوْمَ سَـیُفْتَنُونَ بِـاَمْوالِهم، وَیَمُنُّونَ بِـدِینِهِم عَلی رَبِّهِم وَیَتَمَنَّوْنَ رَحْمَتَهُ ویَـأْمَنُونَ سَـطْوَتَهُ وَیَسْـتَحِلُّونَ حَرامَهُ بالشُّبُهـاتِ الْکاذِبَهِ وَالاَهواءِ السّاهِیَهِ...».(۲)

یا علی! این مردم پس از این با اموالشان امتحان خواهنـد شـد و با دینـداری شان بر خدا منّت می گذارند و تمنای رحمت او را دارنـد و از خشم و قهر الهی ایمن می شونـد ، حرام خـدا را با شـبهه های دروغ و خواهشـهای غفلت آمیز، حلال می شـمرند ، شراب را به نام آب انگور ، و رشوه را به نام هدیّه ، و ربا را به نام داد و ستد حلال می دانند!

اینهـا اشـاره به نوعی آزمـایش شـدن در مسائل مالی و حلال و حرام و شـهوات و تمنّیات نفسانی است که تاریـخ هم نشان داد برخی از مسلمانان پس از پیامبر ، در این فتنه و آزمون شکست خوردند و امتحان خوبی پس ندادند. (به امتحان الهی در عرصه مالی خواهیم پرداخت).

۱- عنکبوت ۲۹ آیه ۲.

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۱۵۶.

پس گریزی و گزیری از امتحان نیست. خدا همه را امتحان خواهد کرد. در این مورد ، آن حضرت کلام دیگری هم دارد که خواندنی است.

می فرماید:

«لاـ یَقُولَنَّ اَحَدُکُم : «اَللّهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الفِتْنَهِ» ، لاَنَّهُ لَیسَ اَحَدٌ اِلاّ وَهُو مُشْتَمِلٌ عَلی فِتْنَهٍ ، ولکنْ مَنِ اسْتَعاذَ فَلْیَسْتَعِذْ مِنْ مُضِلاّتِ الفِتَنِ...».(۱)

هیچ کدام از شما چنین نگوید : «خدایا ، از فتنه و امتحان به تو پناه می برم» ، چرا که هیچ کس نیست مگر آنکه دچار فتنه و آزمونی می شود ، لیکن هر کس می خواهد پناه ببرد ، از فتنه های گمراه کننده و آزمونهای لغزاننده به خدا پناه ببرد.

بنابراین اگر کسی بگوید: خدایا برای من امتحان پیش نیاور! این غلط است، این مخالفت با سنّت الهی است، چون او بدون استثنا همه را خواهد آزمود. مهم پیروزی و روسفیدی در امتحانهای الهی است.

در ادامه سخن ، حضرت می فرماید :

خداوند فرموده است : اموال و فرزندان شما وسیله امتحان اند. معنایش آن است که او بندگان را با اموال و اولاد ، امتحان می کند ، تا روشن سازد که چه کسی به روزیِ خدا اعتراض دارد و چه کسی به تقسیم رزق الهی راضی است ، در حالی که خدا از خودشان نسبت به آنان داناتر است، ولی می خواهد کارهایی از آنان آشکار شود و سر بزنند که به خاطر آنها مستحقّ ثواب و پاداش ، یا سزاوار کیفر شوند. برخی فرزند پسر را دوست دارند و از فرزند دختر بدشان می آید ، بعضی

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۹۳ .

افزایش ثروت را دوست می دارنـد و از آسـیبهای مـالی و آشـفتگی حـال، نـاراحت می شونـد (ولی اینها گاهی وسـیله امتحان است).

آیه ای هم که در کلام آن حضرت به آن استناد شـده است ، بیـانگر تصـوّر نـادرست کسـانی از مسـلمانان است که پیش از هجرت در مکّه بودنـد و به خاطر ترس و بیم از شـکنجه و تهدیـدهای مشـرکان، از ایمان خود دست کشـیدند ، چون فکر نمی کردنـد مسـلمان شـدن ، آن همه خطر و سـختی برایشان داشـته باشـد و چون دیدند که به خاطر ایمان آوردن مورد فتنه و آزار مشرکان قرار می گیرند ، در ایمان خود سست شدند.(۱)

این امتحـان و هشـدار خـدایی ، مـایه عبرت دیگران است، تا در راه دینـداری و اسـلام ، صـبور و مقاوم باشـند و از تهدیـدها و خطرها نهراسند.

ص: ۱۸

۱- تفسیر المیزان ، ۱۶/ ۱۰۱.

دنیا، سرای آزمایش

یکی از سؤالهای همیشگی انسان، این بوده که چرا آفریده شده است؟ چرا به دنیا می آید و چرا پس از مدّتی می میرد؟ به کجا می رود و هدف از این آمدن و رفتن چه بوده است؟

از میان پاسخهای متعدّد ، یکی هم این است که حضور انسان در این مرحله، برای امتحان عبودیّت و بندگی و رسیدن به کمال است. همه شرایط برای برگزاری یک آزمایش دقیق برای انسان فراهم است. دنیا ، جایگاه اصلی و همیشگی او نیست. اینجا معبر است و مقصد جای دیگر است و در اینجا باید امتحان شود تا در ابدیّت، نتیجه انتخاب خوب یا بد خود را ببیند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ اللّه ‍ سُبحانَهُ جَعَلَ الدُّنیا لِمَا بَعدَها وَابتَلی فِیها اَهلَها لِیَعْلَمَ اَیُّهُم اَحْسَنُ عَمَلاً ، وَلَسْنا لِلدُّنیا خُلِقنا وَلا بِالسَّعْیِ فِیها اُمِرنا وَاِنّما وُضِعنا فِیها لِنُبْتَلی

بِها».(۱)

خدای سبحان، دنیا را برای آنچه پس از دنیاست قرار داده است و اهل دنیا را در دنیا امتحان کرده، تا روشن کند چه کسی از مردم بهتر عمل می کند. ما برای دنیا آفریده نشده ایم و مأمور نگشته ایم که در دنیا [و برای دنیا]تلاش کنیم ، بلکه ما را در این دنیا قرار داده اند تا به وسیله

آن مورد آزمایش قرار گیریم.

این همان حقیقتی است که در آغاز سوره مُلک هم در بیان فلسفه خلقت انسان و آفرینش مرگ و زندگی بیان شده است که :

خداوند، مرگ و زندگی را آفرید ، تا معلوم کند و شما را بیازماید که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید.(۲)

دنیا با همه آنچه در آن است، از عمر و زندگی ، از جوانی و نیروهای آن، ثروت و قدرت ، فرزندان و دوستان ، فقر و غنا ، بیماری و تندرستی، آمدن و رفتن ، همه و همه وسیله آزمایش انسان است ، تا روشن گردد چه کسی در دام آن گرفتار می شود و در باتلاق دنیا فرو می رود ، و چه کسی پای خود را از دام آن رها می سازد و دنیا را وسیله کسب آخرت و نجات خویش قرار می دهد.

امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

«اَلا وَاِنَّ الدُّنیا دارٌ لا یُسْلَمُ مِنها اِلاّ فِیها. وَلا یُنجی بِشَی ءٍ کانَ لَها. ابتُلِیَ

۱- نهج البلاغه ، نامه ۵۵ .
۲- «الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاهَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُم أَحْسَنُ عَمَلاً» ملک ۶۷ ۲.

النّاسُ بِها فِتَنهً...»(۱).

هان! دنیا سرایی است که از آن نمی توان به سلامت رست. مگر [با تقوا و پرهیزکاری] در آن. از کارهای دنیایی کسی نجات نمی یابد. مردم به آزمون دنیا دچار شده اند. از دنیا آنچه را برای دنیا برگیرند ، از کف می دهند و بر همان مؤخذه می شوند و از دنیا آنچه برای غیر آن برگیرند ، برایشان ماندگار است. دنیا نزد خردمندان چونان بازگشت سایه است ، در همان حال که سایه را گسترده می بینی جمع می شود و در همان حال که افزوده اش می بینی کاسته می شود.

در این عبارات به ناپایداری دنیا و بی وفایی آن اشاره شده است و برنده آنانند که با رهتوشه گرفتن از دنیا برای آباد ساختن آخرت خویش ، از این امتحان سربلند بیرون می آیند و در دنیا در جا نمی زنند.

پیشتر هم اشاره شد که حوادث تلخ و شیرین جهان ، هر دو وسیله آزمایش است ، گاهی بر نعمت باید شکر کرد و گاهی بر سختی باید صبر نمود. آن که ناشکری و بی صبری از خود نشان می دهد ، شکست خورده این امتحان است.

قرآن کریم ، از قول حضرت سلیمان نقل می کند که نسبت به آن سلطنت الهی و قدرت بی نظیر که خدا به وی عطا کرده بود ، گفت :

این از فضل و احسان پروردگار من است ، تا مرا بیازماید که شکر

می گزارم یا ناسپاسی می کنم.(۲)

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۶۳ .
۲- «هذَا مِنْ فَضْلِ رَبّی لِيَبْلُوَنی ءَأَشْكُرُ أمْ أَكْفُرُ»نمل ۲۷ ۴۰.

در سخنان امام حسین علیه السلام نیز چنین آمده است که:

مردم بنده و برده دنیایند و دین بر زبانشان می چرخد و تا وقتی زندگیهاشان بر محور دین بگردد ، در پی آنند ، امّا وقتی به وسیله «بلا» آزموده شوند ، دینداران اندک می شوند : «فَإذا مُحِّصُوا بِالبَلاءِ قَلَّ الدَّیّانُونَ».(۱)

تا حادثه و سختی پیش نیاید و امتحانهای دشوارِ راه دینداری چهره نشان ندهد ، بسیاری از افراد در صفِ اهل ایمان و یاران حقّ اند، امّا با ظهور صحنه های آزمون ، رنگ می بازند و چهره عوض می کنند.

بسا کس اند از این همراهانِ آری گوی

که دل به وسوسه راه دیگری دارند...

بنابراین می توان دنیا را سرای آزمون نامید و انسانها را طلاهایی که در کوره گداخته حوادث و ابتلاءات قرار می گیرند ، تا پخته و آزموده شوند و جوهره ناب کمالات انسانی آنان آشکار و برجسته گردد.

در سخنی دیگر، حضرت علی علیه السلامی فرماید:

«فَفِیها اخْتُبِرتُم ولِغَیرِها خُلِقْتُم».(۲)

در دنیا آزمایش شده اید و برای غیر دنیا آفریده شده اید.

مرغ باغ ملکوتم، نیم از عالم خاک

چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

۱- تحف العقول ، ص ۲۴۵.

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۲۰۳.

ای خوش آن روز که پرواز کنم تا برِ دوست

به هوای سرِکویش پر و بالی بزنم(1)

انسانها را می توان در دنیا همچون شاگردانی دانست که در «کلاس زندگی» یا جلسه امتحان نشسته اند.

در کلاس عُمر ، هر کس را یک بار می نشانند و درس می دهند و امتحان می گیرند. خوشا آنان که هوشیارانه در این آزمون شرکت می کنند و برنده می شوند ، چرا که : بسیاری از آنان که می روند ، نمی رسند و بسیاری از کسانی که می دوند ، نمی برند!...

ص:۲۳

۱- منسوب به مولوی.

چرا امتحان می شویم؟

آن که دیگری را می آزمایـد ، برای کشف و فهم چیزی است که آن را نمی دانـد. مثل معلّمی که شاگردش را در امتحان می آزمایـد ، یـا دوستی که دوسـتش را در شدایـد و سـختیها امتحـان می کنـد ، یـا افسـری که یـک درخواست کننـده گواهینـامه رانندگی را آزمایش می کند.

امّا امتحان الهی برای کشف یک مجهول یا افزایش علم خدا نیست ، چون او از همه چیز خبر دارد. می آزماید ، تا هم وضعیّت بر خود شـخص روشن گردد ، هم برای دیگران. به علاـوه در آزمونهـای الهی ، عبرتهـا و پنـدهای فراوانی برای مردم است که اگر هوشـیار باشـند ، از این امتحانهـا درس می گیرنـد و راه زنـدگی را درست می پیماینـد و به چـاله و چاه غفلت و گناه نمی افتند.

حضـرت علی علیه السـلام در سـخنی ، واجب سـاختن روزه را برای آزمونِ اخلاـص مردم می دانـد : «وَالصِّیـامَ ابْتِلاءً لِاِخلاصِ الْخَلْقِ».(۱) از آنجا که روزه،

ص: ۲۴

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۲۵۲.

یـک عبـادتِ پنهـانی و بـدون نمود است ، یعنی نخوردن و نیاشامیـدن است، نه کـاری که نمود و جلوه ظـاهری داشـته باشـد ، بنابراین عرصه آزمون اخلاص مردم است و مردم میزان خلوص و بی ریایی خود را از رهگـذر انجام این عبادت و تکلیف، می شناسند.

خداونـد، بنـدگان را آفرید و به پرسـتش فرمانشان داد و طاعت و عصـیان را به اختیار خودشان گذاشت ، تا آگاهانه راه خیر و عمل صالح را برگزینند و بر این انتخاب ، پاداش یا کیفر یابند. او می دانست که هر کس با استفاده از قدرت اختیار ، چه راهی را خواهد پیمود و چه سرنوشتی خواهد داشت. دوزخیان و بهشتیان برای خدا از آغاز روشن اند ، امّا برای اتمام حجّت و برای اثبات ایمان و صـداقت در عقیـده و برای اینکه خودشان نتیجه امتحان را ببینند و فردای قیامت ادّعایی علیه خدا نداشـته باشـند، صحنه های آزمایش برای بشر پیش آورده است تا هر کس سیمای واقعی خود را در «آیینه امتحان» تماشا کند.

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه ها می فرماید:

«اِنَّ اللّه َ تَعـالی قَـد کَشَفَ الْخَلْقَ کَشْـفَهً ، لا ـ اَ نّه جَهِـلَ مـا اَخْفَوهُ مِن مَصُونِ اَسـرارِهِم ومَکْنُونِ ضَـمائِرِهِم ، «وَلکِنْ لِیَبْلُوَهُم اَیُّهُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا» ، فَیَکُونَ الثَّوابُ جَزاءً والعِقابُ بَواءً».(۱)

خداوند متعال، وضع و حال مردم را روشن و آشکار ساخت ، نه آنکه

آنچه را از اسرار پوشیده و رازهای درونی دارند نداند ، بلکه برای آنکه

آنان را بیازماید که کدامشان بهتر عمل می کنند ، تا ثواب، پاداش آنان

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۴.

باشد و عقاب، کیفر زشتکاری شان.

اگر امتحانی که جداکننده خوب و بد و فرمانبردار و نافرمان است در کار نباشد ، هر کس خود را «بهترین» می داند و اگر تنها به ادّعای افراد اکتفا شود ، هیچ کس حاضر نیست که قصور و خطا و ناخالصی خود را بپذیرد. به قول سعدی:

گر ار بسیط زمین عقل منعدم گردد

گمان به خود نبرد هیچ کس که نادانم

امتحانهـای الهی، مخصوص آدمیـان نیست. حتّی برای فرشـتگان هم آزمایش وجود دارد، تا صف آنان هم به تناسب عبادت و اطاعتشان از هم جدا شود.

حضرت علی علیه السلام در ماجرای فرمان الهی نسبت به سجده ملائکه بر آدم می فرماید:

«ثُمّ اخْتَبَر بِذلِکَ مَلائِکَتَهُ المُقَرَّبینَ، لِیَمیزَ المُتَواضِعینَ مِنْهُمْ مِنَ المُتَکَبِّرینَ».(۱)

خداوند بدان وسیله فرشتگان مقرّب خویش را آزمود ، تا متواضعان را از متکبّران بازشناخته و جدا سازد.

البته فرشـتگان، همه فرمانبردارنـد ، امّا ابلیس که در اصل از جنّیان بود و در صف فرشـتگان به عبادت الهی مشـغول بود ، تکبّر کرد و در آزمـایش الهی که بر محـور «اطـاعت فرمـان» بود ، شـکست خورد و رانـده درگـاه حق گشت. این گونه ابتلاءات و آزمونها مایه عبرت و تنبّه دیگران است.

ص: ۲۶

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲.

«ما در تمام عمر،

هر لحظه در کشاکش یک آزمایشیم

ایمان و اعتقاد،

هنگام آزمایش و در صحنه عمل

اثبات می شود

ورنه در ادّعا، همه بی عیب و کامل اند

با این همه شعار مسلمانی

باید عیان شود که «مسلمان» کیست،

یعنی کسی که تابع و تسلیم امر اوست».

سنگینی امتحان نیز آنجاست که امتحان شونده، یا رمز و راز و فلسفه

یک دستورالعمل را نداند ، یا آن را مطابق فهم و عقل خویش نشناسد ، یا نظر و خواسته دیگری داشته باشد. اینجاست که میزان تعبّد و تسلیم در اجرای فرمان شناخته می شود.

داستان سجده فرشتگان بر آدم که از خاک و گل است، و اجرای فرمان از سوی فرشتگانی که وجود نوری دارند و به ظاهر برترند ، به همین سبب از آزمونهای دشوار به شمار می رود. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

اگر خداوند می خواست که «آدم» را از نوری درخشان و خیره کننده چشمها و مبهوت کننده عقلها خلق کند که چنان خوشبو و معطّر باشد که جانها را بیاکند ، می توانست. و اگر چنان می کرد ، همه گردن اطاعت خم می کردند و آزمایش بر فرشتگان بسیار سبک و آسان می شد. امّا خدای سبحان، بندگان را به برخی از چیزها که اصلش را نمی دانند

می آزماید ، تا هم جوهره آنان را با این امتحان روشن کند ، هم تکبر و غرور را از ایشان دور و طرد کند.(۱)

آن گاه توصیه می فرماید که از سرگذشت ابلیس عبرت بگیرند که آن

همه عبادتهای طولانی و تلاشهایش در راه بندگی ، با یک ساعت تکبر و یک نافرمانی تباه و نابود شد. وقتی ابلیس با شش هزار سال عبادت ، نافرمانی کرد و مطرود شد ، چه تضمینی است که انسان از این ورطه و آزمایش سالم به در آید و مصون بماند؟!

۱- «وَلَوْ اَرادَ اللّه اَنْ يَخْلُقَ آدَمَ مِنْ نُورٍ يَخْطَفُ الاَبصارَ ضِياؤُهُ...» نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲.

چگونه امتحان می شویم؟

ابزار امتحان هر کس گاهی با دیگری متفاوت است.

گاهی فقر و غنا مایه امتحان است ، به ویژه تنگدستی و فقر که

تحمّلش دشوار و زمینه لغزش در آن بسیار است.

برخی افراد به خاطر کمبود امکانات، تنگـدستی، نیازمندی و فقر ، دچار فساد و فحشا می شوند ، یا دزدی و اختلاس می کنند، یا به درگاه الهی ناسپاسی و کفران نعمت می کنند، یا به تقدیر و قسمت الهی ناراضی می شوند.

بعضـی هم به وسـیله برخورداریها و داشـته هایشان امتحان می شوند و ثروتشان وسیله امتحان است که آیا از آن در راه درست اسـتفاده می کنند یا غلط ، طاعت می کنند یا گناه ، به فقرا می رسند یا خودشان بهره می گیرند ، حقوق واجب دینی را ادا می کننـد یـا طفره می رونـد ، انفـاق و احسـان دارنـد یا بخل می ورزنـد ، شـکر می کننـد یا از نعمت و صاحب نعمت غافل انـد و ناسپاسی می کنند؟ پس همه اینها صحنه های آزمایش الهی است.

ص: ۲۹

امیرمؤنان ، با اشاره به اینکه دنیا خانه عبور است و آخرت سرای

ابدی ، و توصیه به اینکه از این «گذرگاه» برای آن «قرارگاه» توشه برگیرید و دلبسته این دنیا نباشید و پیش از اینکه بدن های شما را از دنیا ببرند ، دلهای خود را از دنیا بیرون ببرید ، می فرماید:

«اِنَّ الْمَرْءَ اِذا هَلَکَ قالَ النّاسُ : ما تَرَکَ؟ وقالَتِ المَلائکَهُ: ما قَدَّمَ؟».(۱)

وقتی انسان می میرد ، مردم می گویند : چه برجا گذاشت؟ و فرشتگان

می پرسند : چه پیش فرستاد؟

و آیا این امتحان نیست؟ و آیا برنده آنان نیستند که در دنیا با دنیا خانه آخرتشان را آباد می کنند؟

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد زپس ، تو پیش فرست

آنچه در اختیار ماست، از خداست. در عین حال، خدا از ما خواسته

که از موهبتهای او در راه خیر و رفع نیاز بینوایان استفاده کنیم. او به ما داده ، امّا از ما قرض خواسته است. برخی افراد حاضر نیستند به خدایی که صاحب اصلی نعمتها و داده هاست ، قرض دهند. آیا این شکست در آزمون نیست؟ خداوند سرچشمه نصرت و امداد و یاری است، امّا از مسلمانان خواسته که با جهاد در راه حق و اسلام ، خدا را یاری کنند. این هم نوعی امتحان است.

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه های پندآمیز خویش ، از مردم می خواهند که تا سالم و تندرست اند ، عبادت و کار خیر کنند و تا مجال باقی است، برای آخرت بکوشند و خود را آزاد کنند ، در راه نیکی گام

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۲۰۳.

بردارنـد و از اموالشـان انفاق کننـد و جسـمها و بـدنهای خود را خرج روح و روان خود کننـد. سـپس آیاتی از قرآن را یاد می آورد که پروردگار، از بندگانش نصـرت و یاری خواسـته است «إِنْ تَنْصُرُوا اللّه -یَنْصُرْکُمْ...»(۱) و آیـاتی که به مردم می گوید به خدا وام نیکو بدهند تا برایشان بیفزاید «مَنْ ذَا الَّذِی یُقرِضُ اللّه -قَرْضاً حَسَناً فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافاً کَثِیرَهً»(۲) و می فرماید:

خدا از روی ناداری و فقر از شما قرض نمی گیرد، و از شما که یاری

خواسته ، نه به خاطر ضعف و ناتوانی است ، چرا که سپاه آسمانها و زمین، همه از آنِ اوست و همه گنجینه های عالم در زمین و آسـمان از آنِ خـداست ، بلکه خواسـته است شـما را امتحـان کنـد که کـدامتان بهتر عمـل می کنیـد. پس با کارهای نیکتان بشتابید تا در سرای ابدی از همسایگان و مقرّبان پروردگار باشید : «وإِنَّما اَرادَ اَنْ یَبْلُوَکُم اَیُّکُم اَحْسَنُ عَمَلاً...».(۳)

این یک نمونه از «امتحان مالی» است که متأسّفانه بعضی در آن ناکام می شوند و شکست می خورند.

کمی و زیادی روزی و وسعت معیشت و تنگنای آن نیز یکی از صحنه های امتحان است . حضرت امیر علیه السلامـمی فرماید:

«وقَـدَّرَ الاَرْزاقَ فَکَثَّرَهَا وقَلَّلَها وقَسَّمَها عَلَی الضِّیقِ وَالسَّعَهِ فَعَـدَلَ فِیها لِیَبْتَلِیَ مَنْ اَرادَ بِمَیْسُورِها ومَعْسُورِها ، ولِیَخْتَبِرَ بِـذلکَ الشُّکرَ وَالصَّبرَ مِن غَنِیِّها

۱- محمّد ۴۷ ۷ .

۲- بقره ۱ ۲۴۵.

۳- نهج البلاغه ، خطبه ۱۸۳.

وَفَقِيرِها...».(۱)

خداوند، روزیها را مقدّر و معیّن ساخت ، بعضی را فراوان و بعضی را اندك ، در کار برخی گشایش داد و بر برخی تنگ گرفت و در هر مورد عدالت رعایت گردید، تا هر کس را بخواهد با وسعت رزق یا تنگدستی بیازماید ، تا بدین وسیله شکر توانگر و صبر تنگدست را امتحان کند.

همان طور که قرآن ، گاهی کاهش ثمرات و مرگ و میرها و مصیبتها و گرسنگی و ترس را وسیله آزمایش می داند،(۲) امیرمؤنان هم این گونه سختیها را آزمایش الهی معرّفی می کند، تا هشدار و بیدارباشی برای غافلان و بدکاران شود و بدانند که این گونه ناملایمات در زندگی ، نتیجه گناهان خودشان است و دست از بدی و فساد بردارند.

کلام نورانی آن حضرت چنین است :

«اِنَّ اللّه َ یَبْتَلِیَ عِبادَهُ عِنْدَ الاَعمالِ السَّیِّئَهِ بِنَقْصِ الثَّمَراتِ وحَبْسِ البَرکَاتِ واِغلاقِ خَزائنِ الخَیْراتِ ، لِیَتُوبَ تائِبٌ ویُقْلِعَ مُقْلِعٌ وَیَتَذَکَّرَ مُتَذَکِّرٌ وَیَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ.»(۳)

خداوند ، بندگانش را هنگام انجام کارهای ناپسند، دچار کاهش میوه درختان و قطع شدن برکتها (نباریدن باران) و بسته شدن گنجینه های خیرات می سازد [و بدین وسیله آنان را می آزماید] ، بلکه توبه کننده ای

باز گردد ، و گناهکار از گناه دست بردارد ، و پند گیرنده پند گیرد، و

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۱ خطبه طولانی «اشباح».
۲- «وَلَنَبْلُوَنَّکُم بِشَیءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ» بقره ۲ ۱۵۵.
۳- نهج البلاغه ، خطبه ۱۴۳.

بازدارنده ، راه نافرمانی را [بر بندگان خدا]بگیرد.

از نسیمی دفتر ایّام بر هم می خورد

از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن(۱)

گاهی هم امتحان ، به مهلت دادن و نعمت بخشیدن و پرده پوشی است.

در قرآن کریم از این نوع آزمون به «استدراج» ، و «امهال» و «املاء» یاد شده است و استدراج ، یکی از سنّتهای الهی است ، یعنی خداوند دست انسان را باز می گذارد و با همه بدیهایش به او مهلت می دهد و نعمتش را قطع نمی کند ، تا ببیند آیا دست بر می دارد یا نه؟ متنبّه می شود یا نه؟

در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام به این شیوه آزمایش الهی نیز اشاره شده است:

«کَم مِن مُسْتَدْرَجٍ بِالاِحْسانِ اِلَیهِ ومَغرُورٍ بِالسَّتْرِ عَلَیهِ وَمَفْتُونٍ بِحُسنِ القَوْلِ فِیهِ ، وَمَا ابْتَلَی اللّه ُاَحَداً بِمِثلِ الاِملاءِ لَهُ».(۲)

چه بسا کسی که با نعمتی که بدو دهند ، به دام افتد و چه بسا کسی که با پوشاندن خطایش ، دچار غرور گردد و چه بسا کسی که با سخن نیک دیگران درباره وی ، فریفته شود. خداوند هرگز کسی را به امتحانی همچون «مهلت دادن» نیازموده است.

اگر کسی راز این مهلت دهی را درنیابد و از حلم و ستّاریّت خدا سوء استفاده کند و همچنان به گناه ادامه دهد ، در لحظه ای و با حالتی مچ او را می گیرند و مؤاخذه می کنند که نه راه برگشت دارد ، نه انکار و نه جبران. پس باید چنین هشدارهایی را جدّی گرفت و فرصت و مهلت الهی را

ص: ۳۳

۱- صائب تبریزی.

۲- نهج البلاغه ، حکمت ۱۱۶ و ۲۶۰.

نباید به حساب این گذاشت که خداوند پیگیر نخواهد بود.

امام علی علیه السلام در هشدار دیگری چنین می فرماید:

«اَلحَذَر! الحَذَر! فَوَاللّه ِ لَقَدْ سَتَرَ، حتّی کَأَ نّه قَدْ غَفَرَ».(۱)

بترسید ، بترسید، به خدا سوگند که گاه چنان گناه را می پوشاند که گویا آن را آمرزیده است!

ص: ۳۴

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۳۰.

آزمون مالی

در بخش چگونگی آزمایش و انواع امتحانهای الهی ، به امتحان مالی

هم اشاره شد. امّا به دلیل اهمیّت این آزمون و اینکه بسیاری از مردم با «پرداختهای مالی» و ادای حق اللّه و حق الناس در مسائل مالی امتحان می شوند و فقر و غنا میدان مهمّی برای آزمایش افراد است ، در این زمینه توضیح بیشتری می خوانید.

در کلامی حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«اِنَّ لِلّهِ عِبادًا یَخْتَصُّهُمُ اللّه ُبِالنِّعَمِ لِمَنافِعِ العِبادِ ، فَیُقِرُّها فِی اَیدِیهِمْ ما بَذَلُوها فَاِذا مَنَعُوها نَزَعَها مِنْهُم ثُمَّ حَوَّلَها اِلی غَیرِهِم».(۱)

خداوند بندگانی دارد که آنان را با نعمتها مخصوص ساخته است تا به بندگان سود برسانند ، پس تا وقتی که از آن نعمت ، بذل و بخشش می کنند ، آن را در دستشان برقرار می دارد ، هرگاه که از دادن و بخشیدن آن رویگردان شوند ، آن نعمت را از ایشان می گیرد و به دیگران می سپارد.

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۴۲۵.

سنّت استدراج و مهلت دهی که در بخش قبل به آن اشاره شد ، در

مسائل مالی هم وجود دارد ، آن حضرت می فرماید:

«اِذَا رَاَیتَ رَبَّکَ سُبْحانَهُ یُتابِعُ عَلَیکَ نِعَمَهُ واَنتَ تَعصِیهِ فَاحْذَرْهُ».(۱)

هر گاه دیدی خداوند ، پیوسته نعمتهایش را در اختیار تو می گذارد ، در حالی که تو او را نافرمانی می کنی ، پس از او بترس!

این هشدار برای آن است که طبق قانون الهی، وقتی کسی از نعمتی

سوء استفاده کند ، یا نسبت به صاحب نعمت ، نافرمانی کند ، باید آن نعمت از او گرفته شود. ولی، اگر هم معصیت ادامه می یابد ، هم نعمت خدا استمرار دارد ، ممکن است برنامه ای در کار باشد تا سرِ بزنگاه ، مچ بنده خطا کار را بگیرد و با پرونده ای سنگین به پای میز محاکمه اش بکشد.

پس هم باید از انتقام الهی بیمناک بود ، هم از نعمت بخشی خداوند ، آنجا که طبق سنّت و برنامه استدراج، نعمت می بخشد تا بنده اش را بیازماید.

از سخنان آن حضرت است:

ای مردم! خداوند باید شما را از نعمت، هراسان و بیمناک ببیند، آن گونه که شما را از انتقام کیفر، ترسان و نالان می بیند ، کسی که به او وسعت مالی و ثروت داده شود ، امّا این را «استدراج» نبیند ، خود را از کاری ترسناک، ایمن پنداشته است و هر کس دچار تنگدستی و فقر گردد و این را آزمایش نپندارد، آنچه را می توانست پاداش آور باشد تباه

۱- نهج البلاغه ، حکمت ۲۵.

ساخته است.(۱)

در جای دیگر فرموده است:

خداوند، امّتهای پیشین را با مخمصه و تنگناها و سختیها مورد آزمایش قرار داده است.(۲)

نیز در کلامی دیگر فرموده است : «اِنَّ مِنَ البَلاءِ الفاقَهُ...».(۳)

فقر و تنگدستی از جمله بلا (و امتحانها)ست...

کسی که چنان دلبسته به مال دنیا باشد که نه حقوق واجب دینی را

بپردازد ، نه از آنچه دارد به بینوایان کمک کند ، نه در راه عقیده و ادای تکلیف ، دست از آنچه دارد بکشد، نه اهل انفاق و صدقات و مشارکت در امور خیر باشد و نه خیرش به کسی برسد ، شایسته برخورداری از نعمتهای خدا نیست و داشته هایش در معرض زوال قرار می گیرد و مردودی در امتحانِ مالی برایش گران تمام می شود.

و چه بسیار کسانی که به سبب همین وابستگی مادّی، از دین و معنویّت و راه خدا فاصله گرفتند و امر الهی را نافرمانی کردند. داستان قارون که در قرآن نیز آمده است، یکی از بهترین نمونه هاست.

ص: ۳۷

۱- اَیُّها النّاسُ، لِیَرَکُمُ اللّه مِنَ النِّعْمَهِ وَجِلِینَ... نهج البلاغه ، حکمت ۳۵۸.
۲- قَدِ اخْتَبَرَهُمُ اللّه بِالمَخْمَصَهِ وَابْتَلاهُم بِالمَجْهَدَهِ... نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲.
۳- نهج البلاغه ، حکمت ۳۸۸.

حج ، آزمونی دیگر

گفتیم که از رموز و اسرار آزمایش، امتحانِ میزانِ تسلیم و اطاعت

بی چون و چرای بندگان در برابر فرمان مولاست. بنده واقعی بنده ای است که در برابر امر مولایش، چون و چرا نکند و تسلیم محض باشد و هر چه گفت، بی درنگ بپذیرد و عمل کند، هر چند نداند که «چرا». مثل تسلیم بودن حضرت ابراهیم علیه السلام برای ذبح فرزند عزیزش اسماعیل ، نیز آمادگی

اسماعیلِ ذبیح اللّه برای قربانی شدن.

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

هر چند که امیرالمؤنین علیه السلام در سخنان خویش ، گاهی فایده و حکمت و اسرار برخی دستورهای دینی را بیان فرموده است،(۱) امّا در

ص: ۳۸

۱- از جمله در حکمتِ ۲۵۲ نهج البلاغه : «فَرَضَ اللّه ُالاِیمانَ تَطْهِیراً مِنَ الشِّرکِ...» ، نیز در بخشی از خطبه ۱۹۲ : «وعَن ذلک ماحَرَس اللّه ُعِبادَهُ المُؤنینَ بِالصَّلَواتِ والزَّکَوَاتِ ومُجاهَدَهِ الصِّیَامِ فِی الاَیّامِ المَفْرُوضاتِ...».

موارد متعدّدی، روح اسلام و دینداری را تعبد و تسلیم در برابر فرمان خدا دانسته است. یکی از این دستورها انجام فریضه حج است. گرچه تک تک حرکات و اعمال حج دارای فلسفه و درس و نکته است ، امّا یک بنده مخلص و مطیع ، اگر هم رموز و فلسفه برخی از آنها را ندانـد ، چون خداونـد فرمـان داده است و او مولاـ و صاحب اختیار است ، می پـذیرد و بی چون و چرا عمـل می کنـد ، آن هم دقیق و مو به مو. و این یکی از امتحانهـای الهی و نشـانه رهـایی از خودبینی و رسیدن به خـدا خواهی است.

در یکی از خطبـه هـای طولاـنی نهـج البلاـغه که به نـام خطبه «قاصـعه» معروف است، امیرمؤنـان بـا مثالهـای متعـدّد و بیانهـا و تعبیرهـای مختلف ، به مقابله با روحیه غرور و تکبّر و اسـتکبار بشـر می پردازد و به تعبّـد و اطاعت و تسـلیم بودن در مقابل امر خدا و کنار گذاشتن تعصّب و لجاجت فرا می خواند.

در بخشـی از این خطبه، بر محور این نکته که گـاهی آزمون الهی به این است که به چیزی فرمـان می دهـد ، و مخاطبان اصـل آن و دلیل فرمان را نمی داننـد ، ولی امر خـدا برای آزمودن میزان تبعیّت و فرمانبرداری بندگان است ، به «حج» و زیارت خانه خدا و انجام اعمال و مناسک آن مثال می زند و می فرماید:

«اَلا تَرَوْنَ اَنَّ اللّه ٔسُبحانَهُ اِخْتَبَرَ الاَوَّلِینَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَلَواتُ اللّه ِعَلَیهِ، اِلَی

الآخِرینَ مِنْ هذَا العالَمِ ؛ بِاَحْجارٍ لاتَضُرُّ وَلا تَنْفَعُ...».(۱)

ص: ۳۹

۱- چون متن عربی طولانی است ، به ترجمه آن اکتفا می شود. نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲.

آیا نمی بینید که خداوند سبحان، همگان را از حضرت آدم تا کسانی که پس از آنها آمده اند ، در این جهان به وسیله سنگهایی آزموده[(۱)](#) که نه زیان می زند و نه سود می بخشد ، نه می بیند و نه می شنود. آن را خانه با حرمتِ خود ساخت و برای فراهم آمدن و عبادت مردم قرار داد. سپس این خانه را در سنگلاخ ترین سرزمین و بی گیاه ترین جای دنیا و کم فاصله ترین درّه ها قرار داد ، در میان کوههای خشن و سخت ، و سنگریزه های انبوه و چشمه های کم آب و آبادیهای دور از هم ، که نه شتر در این سرزمین می آساید ، نه اسب و نه گاو و گوسفند. سپس به آدم صلی الله علیه و آله و فرزندان او فرمان داد که به سوی کعبه آیند.

این چنین، خانه خدا مرکز تجمّع سفرهایشان و سرمنزل کوچیدنهایشان گشت ، به گونه ای که مردم با دلهای شیفته از صحراهای خشک و دشتهای دور و درّه های عمیق و از شهرها و جزیره های پراکنده دریاها به سوی آن روی می آورند و خاشعانه بر گردِ کعبه می چرخند و لا اله الاّ اللّه می گویند ، با موهای آشفته و غبارآلود ، در حالی که جامه های خویش را که نشانه شخصیّت و امتیاز است درآورده اند و با اصلاح نکردن موهای خود ، زیباییهای خود را پوشیده می دارند. آزمونی بزرگ و امتحانی دشوار و گزینشی آشکار و پاکسازی روشن و رسایی است! خداوند، آن (دیدار خانه خود) را سببی برای رحمتش و پیوند دهنده و رساننده به بهشتش قرارداده است.

و اگر خداوند می خواست که خانه با حرمت و عبادتگاه با عظمت

۱- مقصود ، خانه کعبه است که از سنگهای عادی بنا شده است.

خویش را در میان باغستانها و نهرها و سرزمینهای سرسبز و هموار و پردرخت و پرمیوه و در دل مناطق آباد و پرجمعیت و روستاهای به هم پیوسته و گندمزارها و باغات پر از گل و گیاه و خوش منظره و چشم نواز و پرآب و آبادانی و بوستان و جاده های آباد قرار دهد به همان اندازه که آزمایش ساده بود ، پاداش نیز کم می شد.

و اگر شالوده و پایه های خانه خدا و سنگهای به کار رفته در این بنا ، از زمرّد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود ، سبب می شد که دلها دیرتر به شک افتد و تلاش شیطان را برای برگرداندن دلها از توجّه به این خانه، دور می کرد و وسوسه و تردید را از سینه مردم می کاست.

ولی خداوند، بندگانش را با سختیهای گوناگون می آزماید و با ناملایمات مختلف امتحانشان می نماید ، تا تکبر را از دلهایشان بیرون کند و فروتنی را در جانهایشان جای دهد و این عبادت را درهایی گشوده به فضل و رحمتش، و اسبابی فراهم و آماده برای بخشایش الهی قرار دهد.(۱)

مهم ترین نکته و کلید این آزمون، همین است که بنده ، مطیع مولا و تسلیم فرمان او باشد ، حتّی اگر نمی داند چرا؟

به تعبیر یکی از بزرگان ، اگر بنا باشد در دستورهای خدا ، فقط آنچه را بفهمیم برای چیست اطاعت کنیم و بپذیریم، در واقع ما بنده فهم خودمان شده ایم ، نه بنده پروردگارمان و مطیع عقل خود شده ایم نه مطیع خدا!

۱- «وَلکِنَّ اللّهَ یَخْتَبِرُ عِبادَهُ بِاَنواعِ الشَّدائدِ وَیَتَعَبَّدُهُمْ بِاَنواعِ المَجاهِدِ ، ویَبْتَلیهِم بِضُروبِ المَکارِهِ ، اِخراجاً لِلتَّکَبُّرِ مِن قُلُوبِهِم وَاِسکاناً لِلتَّذَلُّلِ فِی نُفُوسِهِم...» نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲.

این امتحان سخت ، برای حضرت موسی علیه السلام نیز پیش آمد ، آنجا که با خِضر همسفر شد ، امّا با این شرط که نسبت به آنچه در طول سفر می بیند ، سؤال و چون و چرا نکند. وقتی خضر نبی، آن کشتی را سوراخ کرد و آن نوجوان را کشت و آن دیوار رو به ویرانی را تعمیر و بازسازی کرد ، در هر سه مورد ، موسی زبان به اعتراض گشود که چرا چنین کردی؟ و چون راز جریان را از زبان خضر شنید، دانست که در امتحان شکست خورده است ، چون قرار بود نسبت به آنچه می بیند، چون و چرا نکند.(۱)

۱- داستان آن مفصّل است. برای اطّلاع بیشتر بنگرید به: تفسیر آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف.

آزمون در بوته سختیها

از صحنه ها و وسیله های امتحان انسان از سوی خداوند ، پیش آمدهای دشوار و صحنه های خطیر و داغها و بیمهاست و هر چه رتبه بندگان بالاتر باشد ، آزمون های سخت و ابتلاءات بزرگ تری پیش می آورد ، تا هم بندگانش را در کوره گداخته سختیها آبدیده تر و پخته تر کند ، هم عظمت آنان را به مردم بهتر نشان دهد ، هم پاداش بزرگ تری به آنان عطا کند.

هر که در این بزم ، مقرّب تر است

جام بلا بیشترش می دهند

امام علی علیه السلام در ستایش از روحیه تواضع و خاکساری انبیا و مردم گرایی و نوعدوستی آنان ، می فرماید:

«قَدِ اخْتَبَرَهُم بِالْمَخْمَصَهِ وَابْتَلاهُم بِالْمَجْهَدَهِ وَامْتَحَنَهُم بِالْمَخاوِفِ ومَخَضَهُمْ

بالْمَکارِهِ...».(۱)

خداوند آنان را با گرسنگی آزمود و به سختی دچارشان ساخت و با

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲.

بیمها و ترسها امتحانشان کرد و با مشکلات و ناگواریها خالصشان ساخت. پس مال و فرزندان را میزان خشم یا خشنودی خدا ندانید ، که این نشان ناآگاهی از موارد امتحان و آزمون در بی نیازی و قدرت است.

چنان نیست که هر کس قدرت و مال داشت ، محبوب خدا باشد و هر که تنگدست و بینوا بود ، از چشم الهی بیفتد. گاهی توانگران از آزمون الهی روسفید بیرون نمی آیند ، امّا مستضعفان با صبر و عفاف ، در امتحان پیروز می گردند. در ادامه همان سخن، حضرت می فرماید:

خداوند ، گاهی مستکبرانِ خود بزرگ بین را، به ارزشی که دوستان

مستضعف او در دیده آنان دارند، می آزماید. موسی بن عمران همراه برادرش هارون ، وارد دربار فرعون شدند ، در حالی که جامه ای پشمین بر تن و هر یک عصایی در دست داشتند و به فرعون گفتند : اگر تسلیم خدا شود، عزّت و حکومتش باقی خواهد ماند. فرعون به دیده تحقیر در آن دو نگریست و به حاضران گفت : «آیا تعجّب نمی کنید که این دو می خواهند دوام عزّت و قدرت مرا تضمین کنند ، در حالی که خودشان چنین فقیر و خوارند و دستبندهای طلا به همراه ندارند و...». وی طلا و زر اندوزی را مهم انگاشت و پشمینه پوشی را تحقیر کرد. در حالی که اگر خداوند می خواست ، وقتی پیامبرانش را بر می انگیخت ، همه گنجینه های طلا و جواهرات و باغ و بوستانها را برایشان می گشود و پرندگان آسمان و حیوانات وحشی صحرا را همراهشان می ساخت و اگر چنین می کرد ، دیگر امتحانی نبود و پاداشی در کار نمی آمد و همه بشارتها و خبرهای آسمانی تباه می شد و برای پذیرندگانِ دعوت انبیا ، پاداش امتحان شدگان لازم نمی گشت و مؤنان نیکوکار ، پاداش

نیکوکاران را در نمی یافتند. لیکن خدای متعال ، پیامبرانش را فرستاد که اراده ای استوار، ولی در چشم مردم ظاهری ساده و فقیر داشتند و با قناعتی که دلها و دیده ها را از بی نیازی پر سازد و گرسنگی و فقری که چشمها و گوشها را بیازارد. اگر پیامبران الهی، مقتدرانی بی شکست و حاکمانی بی زوال بودند که همه گردنها به سوی آنان کشیده می شد و مردم به طرف آنان بار سفر می بستند و به دربارشان می شتافتند، این ویژگیها، شرایط را برای امتحان شدن مردم آسان می ساخت و از گردنکشی در برابر انبیا دور می ماندند و از روی رغبت یا ترس به آنان ایمان می آوردند... ولی خداوند خواسته است که پیروی مردم از پیامبران و پذیرش کتب آسمانی و تسلیم شدن به آیین الهی، از روی ایمان قلبی و خشوع و پیروی و اطاعت واقعی و دور از هر شائبه ای باشد. هر چه که امتحان بزرگ تر باشد، پاداش الهی بزرگ تر خواهد بود.(۱)

این، هم برای خود انبیا وسیله آزمایش است که با دست خالی از ثروت و نداشتن پشتوانه قدرت و ریاست و ایل و تبار، باید با قدرتها و بدعتها و موهومات در افتند ، هم برای طاغوتها و توده مردم وسیله آزمایش است، که باید دعوت چنین فرستادگانی از سوی خدا را بپذیرند و پذیرای همه پیامدهای دعوت و ایمان باشند.

میزان تسلیم بودن بندگان در برابر فرمان خدا و آیین آسمانی ، از

۱- فَإِنَّ اللّه َ يَخْتَبِرُ عِبادَهُ المُستَكبِرينَ فِى اَنفُسِهِمْ بِاَولِيائِهِ المُستَضعَفِينَ فِى اَعيُنِهِم... نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۲.

همین پذیرشها و اطاعتها و بهانه نیاوردنها معلوم می شود.

نسبت به پذیرش ولایتِ ولیّ خدا نیز ، همچون قبول یا عدم قبول نبوّت انبیا ، گاهی مردم در بوته آزمایش قرار می گیرند. اگر به بهانه های مختلف، سر از اطاعت «ولی اللّه» برتابند و به شرایط و لوازم بیعت با «امام» پایبند نباشند ، در این صحنه آزمون شکست خورده اند.

دوران خلافت و حکومت امیرالمؤنین علیه السلامیکی از همین صحنه ها و عرصه ها بود. حضرت می فرماید:

«اَحْمَدُ اللّه عَلی مَا قَضی مِنْ اَمرٍ وَ قَدَّرَ مِنْ فِعْلٍ، وعَلَی ابْتِلائِی بِكُم اَیَّتُهَا الفِرقَهُ الَّتِی اِذا اَمَرْتُ لَمْ تُطِعْ وَاِذا دَعَوْتُ لَمْ تُجِبْ...».(1)

خدا را سپاس می گویم بر هر امری که خواسته و هر کاری که مقدّر کرده است ، و بر این که مرا گرفتار شما - و به وسیله شما امتحان - کرد ، ای گروهی که هرگاه فرمان می دهم اطاعت نمی کنید ، و هرگاه دعوت می کنم اجابت نمی کنید. وقتی به شما مهلت داده می شود در بیهودگی فرو می روید ، و هرگاه با شما می جنگند سستی می کنید.

این صحنه ، هم برای علی علیه السلام آزمایش است که گرفتار چنین پیروان سست و بی اراده و نافرمان شده است، هم برای آن قوم نافرمان ، آزمون است که با داشتن پیشوایی چون حیدر کرّار و علیّ مرتضی علیه السلام ، در نبرد با دشمنان حق و ولایت ، نافرمانی و کوتاهی می کردند ، با آنکه پیمانهای استوار و بیعتهای محکم بسته بودند.

هزاران دست بیعتگر کجا رفت؟

وفا با آل پیغمبر کجا رفت؟

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۸۰.

در تفسیر خواجه عبداللّه انصاری آمده است:

«مثال ربّانی از حضرت ربوبیّت ، آن است که: بلا از درگه ما خلعتِ

دوستان است ، هر که در مقام دوستی بر اغیار مرتبتی جوید ، در بوستان نزهت دوستان ، گُل بلا بیشتر بوید».(۱)

* * *

باری... گذراندن «دوره زندگی» همراه با امتحانهای گوناگون است.

آنچه عبور از این دوره را با موفّقیت همراه می سازد ، تقویت ایمان ، خودسازی، تمرین برای تحمّل سختیها و توجّه به مرحله «آخرت» است که پاداش صابران و مؤنان داده می شود.

کسی که در دنیا ، از امتحانهای سخت سرافراز بیرون آمده باشد ، در آخرت هم حسابش آسان و عبورش از «صراط»، سریع و بی خطر و جایگاهش «بهشت» خواهد بود. به این امید که از «فرزندان آخرت» باشیم، نه از «بردگان دنیا»!

ص:۴۷

۱- تفسیر کشف الأسرار ، میبدی، ۷/۳۷۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹